

تأثیر ارتباط کیفیت گزارشگری مالی بر تصمیم گیری مدیران در شرکتها

عبدالله ذبیح زاده^۱

محمد اسماعیل مولایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹

چکیده

تأثیر گزارشگری مالی با کیفیت بر تصمیم گیری مدیران مساله ای است که محققان توجه خاصی به آن مبذول داشته اند. حسابداری یک سیستم اطلاعاتی است و مدیران باید جهت تصمیم گیری بهتر، اطلاعات مناسب و با کیفیت را از تمام کانالهای رسمی و غیر رسمی به دست آورند. کیفیت اطلاعات اثر مستقیمی بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد و از این طریق نقش مهمی را در تعیین هزینه سرمایه ایفا می کند. افزایش کیفیت گزارشگری مالی باعث کیفیت تصمیم گیران و در نهایت افزایش بهره وری تولید و محصولات شرکتها خواهد شد. این تحقیق در پی آنست که تأثیر گزارشگری مناسب و با کیفیت را بر بهبود تصمیم گیری مدیران بسنجد و سؤال تحقیق در این نوشتار این خواهد بود که کیفیت گزارشگری در تصمیم گیری مدیران در شرکتها چه تأثیری دارد؟ راههای افزایش کیفیت گزارشگری چه می باشد؟

کلمات کلیدی

کیفیت گزارشگری، تصمیم گیری مدیران، افزایش تولید

۱. استادیار، گروه آموزشی حسابداری، دانشگاه غیر انتفاعی شمال، آمل، ایران.

۲. استادیار، گروه آموزشی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند، دماوند، ایران.

مقدمه

از آنجا که حسابداری در پی اندازه گیری و ارائه اطلاعات اقتصادی به استفاده کنندگان جهت قضاوت و تصمیم گیری های آگاهانه است آن را به عنوان یک سیستم اطلاعات می شناسیم؛ بنابراین برای موفقیت سازمانها با توجه به اهمیت و تاثیرگذاری گزارشهای قابل استخراج و ارائه از سیستم اطلاعات حسابداری مدیران در تصمیم گیری ها به بهره برداری صحیح از اطلاعات با کیفیت این سیستم نیازمند می باشند. بیشتر تصمیم های مدیران را تصمیم گیری های اقتصادی و انتخاب راهکارهایی که به حداکثر کردن سود، حداقل نمودن هزینه ها و قیمت تمام شده منجر می شود را باید در نسبت مستقیم بین کیفیت گزارشگری مالی در طول فرایند تولید دانست که باعث افزایش بهره وری و در نهایت سود تمام شده آنها خواهد بود. هدف از این نوشتار به دنبال بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی در تصمیم گیری مدیران در شرکتها خواهیم پرداخت. ابتدائاً تلاش خواهیم نمود تا به تعریف کیفیت گزارشگری مالی پرداخته و سپس نقش آن را در تصمیم گیری مدیران شرکتها بیان نماییم. در این مقاله ابتدائاً به بررسی کیفیت گزارشگری و سپس به مسئله تصمیم گیری مدیران و روشهای مربوط به آن و در نهایت به تاثیر کیفیت گزارشگری بر تصمیم گیری خواهیم پرداخت.

کیفیت گزارشگری

۱-۱- چارچوب نظری

کیفیت گزارشگری مالی را میتوان میزان دقت گزارشگری مالی در انعکاس اطلاعات مربوط به عملیات و جریانهای نقدی واحد انتفاعی تعریف نمود. در ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی دو رویکرد کلی وجود دارد: رویکرد نیازهای استفاده کنندگان و رویکرد حمایت از سرمایه گذاران و سهامداران. در رویکرد نیازهای استفاده کنندگان کیفیت گزارشگری مالی بر مبنای سودمندی اطلاعات مالی (مربوط بودن و قابل اتکا بودن) تعیین و تعریف می شود؛ اما در رویکرد حمایت از سرمایه گذاران و سهامداران کیفیت گزارشگری مالی بطور عمده بر حسب (افشای کامل و منصفانه) برای سهامداران تعریف می شود. در این زمینه کیفیت گزارشگری مالی عبارت است از اطلاعات مالی کامل و شفاف که مانع گمراهی یا ایجاد ابهام برای استفاده کنندگان می شود. در اکثر تحقیقات مالی کیفیت اقلام تعهدی و به طور کلی تر کیفیت سود به عنوان معیاری برای اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی مد نظر قرار گرفته است.

واکنش سرمایه گذاران به اطلاعات به صورت مستقیم در تعدیلات قیمت سهام منعکس می گردد. تعدیل قیمت، فرایند انعکاس اطلاعات در قیمت سهام است. فرایندی که موجب می شود، قیمت معاملاتی سهام به ارزش واقعی آن نزدیک و در نهایت با آن مساوی گردد. منظور از سرعت تعدیل قیمت سهام مدت زمانی است که طول میکشد تا اطلاعات در قیمت سهام منعکس گردیده و قیمت معاملاتی سهام به ارزش واقعی خود برسد. قیمت های بازار سهام در حقیقت، راهنما برای جریان یافتن وجوه به داخل شرکت ها است، به این صورت که وجوه بیشتر، به سمت شرکت هایی که سوددهی بیشتر و ریسک کمتری دارند، جریان می یابد. لازمه این کار این است که قیمت ها ارزش ذاتی سهم را منعکس کنند؛ بنابر این کارایی قیمت گذاری یعنی برابری قیمت سهام با ارزش ذاتی آن شرط لازم برای کارایی

تخصیص به شمار می‌آید. تساوی بین قیمت سهام و ارزش ذاتی آن نیز هنگامی پدید می‌آید که کارایی اطلاعاتی وجود داشته باشد. کارایی اطلاعاتی بدین معناست که هیچ وقفه‌ای در انتشار و دستیابی به اطلاعات وجود نداشته باشد. کارایی عملیاتی، شرط دیگر کارایی قیمت‌گذاری بشمار می‌آید. طبق نظریه کارایی عملیاتی معاملات باید با کمترین هزینه ممکن انجام شود. هزینه بالای معاملات مانع از تعدیل سریع و دقیق قیمت می‌شود.

از آنجا که براساس اصول پذیرفته شده حسابداری مدیران در مورد زمان شناسایی درآمدها و هزینه‌ها از آزادی عمل نسبی برخوردارند، برخی معتقدند که اقلام تعهدی حاصل اعمال متهورانه مدیریت در شناسایی، ثبت و گزارش رویدادها و دست‌مایه مدیران در تحریف صورت‌های مالی است. بسیاری از محققان معتقدند کیفیت سود به میزان اجزای نقدی و تعهدی سود وابسته است. استفاده کنندگان از صورت‌های مالی همواره به قابل اتکا بودن و مفید بودن اقلام تعهدی به دیده تردید می‌نگرند؛ چرا که مدیران قادرند با به کارگیری روش‌های مختلف حسابداری به شکل قانونی و در چارچوب پذیرفته شده حسابداری سود شرکت را دست‌خوش تغییر و هم‌راستا با تمایلات شخصی خود سازند؛ بنابراین درک فرایند شناسایی آن دسته از اقلام تعهدی که بر کیفیت سود تأثیر گذار است برای سرمایه‌گذاران دشوار بوده و مانع از تشخیص دقیق کیفیت سود شرکت توسط آنان می‌شود از این رو ممکن است تصمیمات آنان بر مبنای سودهای گزارش شده‌ای که از کیفیت بالایی برخوردار نیست به کندی صورت گیرد. همچنین در ادبیات مالی اعتقاد بر این است که کیفیت پایین اطلاعات از لحاظ اقتصادی بر هزینه‌ها و منجر به تأخیر انداختن فرایند تعدیل قیمت سهام می‌گردد. لذا انتظار می‌رود کیفیت گزارشگری مالی از طریق کاهش هزینه‌ها و ریسک اطلاعاتی شرکت منجر به افزایش سرعت تعدیل قیمت سهام گردد. با توجه به اطلاعات فوق این سوال مطرح می‌شود که آیا در بازار سرمایه ایران نیز کیفیت گزارشگری مالی بر فرایند و سرعت تعدیل قیمت سهام موثر می‌باشد یا خیر؟

بر اساس مدل تعدیل قیمت، بازده سهام از یک الگوی خود توضیحی و یا از یک روند مبتنی بر میانگین متحرک تبعیت می‌کند و هزینه‌های مرتبط با اصطکاک بازار (مانند هزینه‌های معاملاتی) بصورت متقارن و متعادل می‌باشند به طوری که پایداری بازده‌های مثبت گذشته (اخبار خوب) با پایداری بازده‌های منفی گذشته (اخبار بد) یکسان است؛ اما نتایج مطالعات گذشته حاکی از این است که قیمت و نوسان‌پذیری سهام نسبت به اطلاعات گذشته واکنش‌های نامتقارنی از خود نشان می‌دهند. نتایج این یافته‌ها بیانگر این است که واریانس شرطی یک تابع نامتقارن از اطلاعات گذشته بوده و میانگین شرطی نیز یک تابع نامتقارن از بازده‌های گذشته می‌باشد موارد فوق با مدل تعدیل قیمت نامتقارن سازگار می‌باشد. طبق این مدل اخباری که بیانگر قیمت‌گذاری بیش از واقع سهام هستند (بازده منفی) سریعتر از اخباری که بیانگر قیمت‌گذاری بیش از واقع سهام هستند (بازده مثبت) در قیمت‌های جاری بازار لحاظ می‌شوند. (پورزمانی، ۱۳۹۲: ۹۵-۹۲)

۲- اثرات اقتصادی کیفیت گزارشگری مالی

با مطالعات تجربی انجام شده روی ارتباط بین کیفیت سود و هزینه سرمایه، کیفیت سود بعنوان یک متغیر برون زا و مستقل در نظر گرفته شده است. در این مطالعات هرگونه جنبه ی احتیاطی مربوط به انتخاب سطح کیفیت سودهای گزارش شده نادیده گرفته شده است. از این رو ارتباط مشاهده شده بین کیفیت اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه در تحقیقات قبلی، عوامل تعیین کننده ی انتخاب سطح کیفیت گزارشگری مالی توسط شرکت گزارشگر را نادیده گرفته اند. اساس تصمیمات متنوع شرکت، هزینه ی سرمایه آن است. هزینه سرمایه، عملیات و به تبع آن سودآوری شرکت را تحت تاثیر قرار داده، بنابراین تلاش برای کاهش هزینه سرمایه، مسأله غیر عادی به نظر نمی رسد.

به دلیل آنکه سرمایه گذاران آگاه بهتر میتوانند سبد سهامشان را با اطلاعات جدید تغییر دهند، بازار برای نگه داشتن سهامی که اطلاعات محرمانه دارند، بازده بیشتری مطالبه میکند. اطلاعات محرمانه، ریسک سرمایه گذاران نا آگاه را افزایش می دهد. کیفیت گزارشگری پایین تر، منجر به عدم ثبات و نهایتاً منجر به ریسک اطلاعاتی بالاتر می شود. بر این اساس شرکت ها می توانند از طریق میزان دقت اعمال شده و کمیت اطلاعاتی که به بازار می دهند، هزینه سرمایه خود را تحت تاثیر قرار دهند.

مطابق تئوری های اقتصادی، ارتباط معکوسی بین کیفیت افشاء و سطح عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران شرکت وجود دارد. کیفیت افشاء مستقیماً با عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط دارد، زیرا مقدار اطلاعات محرمانه را نسبت به اطلاعات عمومی کاهش داده و انگیزه جستجو برای اطلاعات محرمانه را کم می کند. درک این ارتباط بسیار مهم است؛ زیرا عدم تقارن اطلاعاتی به صورت معکوس با هزینه ی سهام عادی مرتبط است. دلیل این ارتباط معکوس این است که سرمایه گذاران آگاه، هزینه معاملات سرمایه گذاران نا آگاه را بالا می برند. سرمایه گذاران منطقی، این زیان های احتمالی آتی را پیش بینی کرده و با تقاضای صرف ریسک پیش بینی شده بر مبنای سطح عدم تقارن اطلاعاتی مورد انتظار از منافع خود حمایت می کنند. سرمایه گذاران نا آگاه همیشه در مقایسه با سرمایه گذاران آگاه ضرر بیشتری را تحمل می کنند. مدیران میتوانند با انتخاب سطح کیفیت افشاء روی هزینه سرمایه خود اثر بگذارند، زیرا اساساً افشاء، اطلاعات محرمانه را به اطلاعات عمومی تغییر شکل می دهد. طبق برخی مطالعات انجام شده، عدم تقارن اطلاعاتی کمتر با هزینه سرمایه سهام عادی کمتر مرتبط است (ایزلی و همکاران، ۲۰۰۲). باور گسترده ای بین استاندارد گذاران و مسئولان حرفه ای حسابداری وجود دارد که افشاء با کیفیت بالا، هزینه سرمایه شرکت را کاهش میدهد. (کردستانی، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۰)

۳- سنوالات مرتبط با ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی

مربوط بودن/ ارزش پیش بینی / استمرار سود

این خصوصیات بر تمایز بین اجزای سود (که غیر معمول یا غیر مستمر است) از سودی که انتظار می رود در آینده استمرار داشته باشد، تمرکز دارد. ارزش پیش بینی، از این لحاظ، به سودمندی اطلاعات برای یک مدیر که میخواهد آینده فعالیت شرکت را ارزیابی و پیش بینی کند مرتبط است. یک روش تمرکز برای استمرار سود این است که پرسیم:

- آیا اطلاعات در ارزیابی سطوح استمرار سود یعنی سود بالقوه پایدار شرکت، سودمند است؟
- چه اجزای مشخصی از صورتهای مالی (شکل، یادداشتهای افشاء و...) و موارد افشای مرتبط (شامل گزارش هیئت مدیره، نشریات مالی و...) در درک سود پایدار شرکت سودمند است؟
- وقتی اقلام غیر مستمر و غیر معمول را برای افشاء شناسایی کردیم، آیا سود و زیانهای غیر عملیاتی از اهمیت یکسانی برخوردار خواهند بود؟
- تا چه حدی زمانبندی انجام معاملات به منظر وقوع (یا عدم وقوع)، در دوره‌ی گزارش، مدیریت شده است؟ هدف از مدیریت این زمانبندی چیست؟ چگونه این موضوع ارزش پیش‌بینی نتایج گزارش شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

مربوط بودن/ارزش پیش‌بینی/اطلاعات تفکیکی

- این خصوصیت به این موضوع توجه دارد که چگونه اطلاعات قسمت‌های تجاری شرکت به مدیران اجازه می‌دهد تا درک بهتری از آینده شرکت داشته باشد. یک روش تفکر در مورد ارزش پیش‌بینی اطلاعات تفکیکی این است که بپرسیم:
- آیا اطلاعات به استفاده‌کننده امکان شناسایی و ارزیابی فرصتها و ریسکهای مختلف قسمتهای کسب و کار شرکت را می‌دهد؟

- چه جنبه‌های مشخصی از اطلاعات تفکیکی شرکت به عنوان یک کل، به شما این باور را می‌دهد که شرکت اطلاعات کامل و کافی برای درک فرصتها و مخاطرات فعالیتهای مختلفی ارائه کرده است؟
- چگونه مباحث مطروحه در گزارش هیئت مدیره در خصوص قسمت‌های تجاری و سایر گزارشها غیر از صورتهای مالی (شامل مصاحبه با تحلیلگران یا خبرنگاران) تکمیل‌کننده اطلاعات قسمت‌های فعالیت، مندرج در صورتهای مالی است؟ چه مثالهای مشخصی نشان می‌دهد که مورد افشاء مربوط چگونه یکدیگر را تکمیل می‌کنند؟

مربوط بودن/ارزش تایید کنندگی

- تمرکز این اطلاعات در بازگو نمودن گذشته است. ارزش تایید کنندگی از این لحاظ به معنی تایید (یا تصدیق) انتظارات قبلی ما می‌باشد. یک روش تفکر در خصوص ارزش تایید کنندگی این است بپرسیم:
- آیا اطلاعات به مدیران امکان می‌دهد که درک کند چگونه اقدامها و تصمیمهای گذشته مدیریت بر نتایج و وضعیت مالی جاری تأثیر گذاشته است؟
- چه مواردی به طور مشخص به عنوان بخشی از گزارشگری مالی (شامل گزارش هیئت مدیره، نشریات مالی و یا سایر ارتباطات با ماهیت مالی) باید افشاء شود تا ثابت شود که اطلاعات برای ارزیابی اینکه نتایج گزارش شده انتظارات قبلی را تایید میکنند، کافی است؟ به عبارت دیگر، چه مقدار اطلاعات در مورد انتظارات قبلی مدیریت که تایید کننده یا رد کننده چنین انتظاراتی است و دلایل تحقیق نیافتن انتظارات باید ارائه گردد؟

• آیا نتایج گزارش شده (شامل وضعیت مالی شرکت) باز خوردی برای مدیران در مورد نحوه تأثیر رویدادهای مختلف بازار و معاملات مهم بر شرکت، فراهم میکند؟

مربوط بودن/ بموقع بودن

این خصوصیات بیان میکند که آیا اطلاعات، قبل از آنکه نامربوط شود، ارائه میگردد؟ یک شیوه تفکر در خصوص بموقع بودن این است که بچرسیم:

• اگر اطلاعات زودتر در دسترس قرار می گرفت سودمندتر نبود؟ به چه طریقی یک شرکت می تواند فراتر از تامین الزامات قانونی در مورد بموقع بودن عمل کند؟

• شرکت در انتشار بموقع صورتهای مالی در مقایسه با رقبا چه وضعیتی دارد؟

• شرکت چه روشهای جدید گزارش اطلاعات مالی (مثل اینترنت و...) را به کار می برد یا باید مورد توجه قرار دهد؟

• چگونه شرکت باید مطمئن شود که اطلاعات یکسان در زمان یکسان برای تمام استفاده کنندگان علاقمند فراهم شده است؟

اتکاپذیر بودن/رسیدگی پذیری

تمرکز این خصوصیت بر صحت، استفاده از برآوردها، اتکا به مفروضات، توانایی اندازه گیری و کمی کردن و سطح شواهد و مدارک پشتیبانی کننده قرار دارد. شیوه تفکر در خصوص رسیدگی پذیری اطلاعات این است که بپرسیم:

• اگر یک شخص ثالث مطلعی داده ها را مورد توجه قرار دهد به نتیجه مشابهی می رسد؟

• چگونه اطلاعات مندرج در صورتهای مالی از دیدگاه اندازه گیری چیست؟

• چه اطلاعاتی در صورتهای مالی (و گزارش هیئت مدیره) برآوردها و مفروضات مهم مورد استفاده در تهیه اطلاعات مالی را ابلاغ می کند؟

• اگر محدوده ای از پیامدهای ممکن وجود داشت این محدوده را به سرمایه گذاران گزارش می کند؟

• چگونه شرکت می تواند ارزیابی کند که برآوردها و مفروضات مهم بر مبنای بهترین اطلاعات در دسترس قرار دارد؟

• آیا شرکت از متخصصان مستقل یا تکنیکهای تا حدودی پیشرفته برای معتبر نمودن با تهیه صورتهای مالی استفاده میکند؟ چگونه این آستانه اهمیت به حسابداری، فروش و سایر کارکنان مرتبط ابلاغ می شود؟

اتکاپذیر بودن/کامل بودن

تمرکز این ویژگی بر جامعیت، توازن، دامنه شمول و شفافیت قرار دارد. به عبارتی:

• آیا اطلاعات به قدری کامل هست که بیان کننده متمم داستان باشد؟

• مهمترین رویداد های سال گذشته چه بوده و چگونه به مدیران ابلاغ می شود؟

• آیا اطلاعات به طریق کامل و منصفانه ارائه می شود؟ چه عناصر مشخصی از صورت های مالی (یا گزارش هیئت

مدیره) این موضوع را نشان می دهد؟

• چه رویداد های منفی یا پیامد های نامطلوب در طی سال اتفاق افتاده و چگونه در صورتهای مالی (و گزارش هیئت مدیره) ارائه شده اند؟ آیا وزنی که به این رویدادها داده شده است به نحوه مناسب با سایر رویداد ها توازن دارد؟

اتکا پذیر بودن/محتوا

تمرکز آن بر انطباق اطلاعات مالی با واقعیت، انعکاس محتوای رویدادها و وصف مبانی اقتصادی معاملات است. برای تفکر در خصوص این ویژگی میتوان پرسید که:

- آیا اطلاعات آنچه را که اتفاق افتاده است به طور صادقانه و صریح وصف میکنند؟
- کدام اصول حسابداری در طول سال تغییر کرده است و چگونه ارزیابی شده است؟
- وقتی شرکت وارد معاملات پیچیده و مهمی میشود که در متون حسابداری به شکل سیاه و سفید نیست، شرکت چگونه حسابداری مناسب را ارزیابی می کند؟
- فلسفه مدیریت درمورد کاربرد اصول حسابداری در این وضعیتهای چیست؟
- تا چه حد شرکت به منظور دستیابی به نتایج خاص، وارد معاملات خاصی می گردد یا آنها را تغییر می دهد؟ در این وضعیت ها، چگونه مدیریت مطمئن می شود که نحوه حسابداری، توصیفی منصفانه و روشن از محتوا و منظور معامله است؟

• متون حسابداری تا چه حد مانع از انعکاس معامله طبق محتوای آن است و شرکت چه اطلاعات تکمیلی (در یادداشتهای توضیحی و گزارش هیئت مدیره) به منظور درک مدیران فراهم میکند؟

اتکاپذیر بودن/بیطرفی

این ویژگی بر عینیت و تعادل تأکید دارد. به عبارتی:

- آیا اطلاعات واقعیتهای را به روشی بدون تمایلات جانبدارانه برای تأثیر بر رفتار یا نظر مدیر ارائه میکنند؟
- با توجه به قضاوت های مهم ک پیش از این بحث شد، چگونه مدیریت ارزیابی بیطرفانه ای از پیامد های ممکن دارد/ چه مثالهای مشخصی این موضوع را به تصویر میکشد؟
- خصوصیات هم چون <<تهاجمی>> و <<محافظه کاری>> برای افراد مختلف و روشهای مختلف معنی متفاوتی دارد، اما بیان کننده نوعی جانبداری هستند. با توجه به این دو واژه، چگونه حسابداری و افشای رویدادها و معاملات مهم شرکت نزدیک به <<بیطرفی>> است و با اعتدال انجام شده است؟ آیا اصول حسابداری منتخب، گویای دیدی اعتدالی است؟

مقایسه پذیری

این خصوصیت برای استفاده از روش مشابه حسابداری برای رویدادها و معاملات مشابه و همچنین روش متفاوت برای رویداد ها و معاملات غیر مشابه تأکید دارد. بر این اساس، مقایسه پذیری نباید با ثبات رویه یا یکنواختی اشتباه شود و برای تفکر در خصوص مقایسه پذیر بودن می توان پرسید که:

- آیا اطلاعات به طریقی تهیه میشود که مقایسه آگاهانه با سایر شرکت ها را ممکن سازد؟
- خط مشی های حسابداری، افشاء شکل صورتهای مالی و سایر وسایل گزارش مالی در مقایسه با رقبا چگونه است؟
- براساس چه زمینه هایی می توان قضاوت کرد که کیفیت آنها بهتر یا بد تر است (یعنی کدامیک از خصوصیات کیفی که در این مدل بحث شد، بهتر تأمین می شود)؟
- اگر خط مشی حسابداری منتخب، منعکس کننده رویه صنعت خاصی است، آیا این رویه رایج است؟ اگر نیست، آیا با الزامات حسابداری که مشخصاً به عنوان اصول پذیرفته شده حسابداری معین شده است، انطباق دارد؟

ثبات رویه

- این خصوصیات بر یکنواختی و تغییر نیافتن روشها و خط مشی ها در دوره های مختلف تأکید دارد. می توان پرسید که:
- آیا عملکرد یک شرکت را می توان در طی یک دوره زمانی به نحوه مناسب مقایسه کرد؟
- چه تغییراتی، در صورت وجود، در خط مشی های حسابداری یا کاربرد خط مشی ها، استفاده از برآوردها و قضاوت های مدیریت انجام شده است؟
- چگونه این تغییرات در مقایسه با رویه های گذشته منجر به بهبود شده اند (یعنی کدامیک از خصوصیات کیفی مدل بهتر تأمین شده است)؟
- شما به چه موارد افشای مشخصی به منظور اثبات مناسب بودن ارائه اثر تغییرات در همه دوره های گزارش شده می توانید اشاره کنید؟
- چه شاخصی نشان میدهد این تغییرات توسط مدیریت به منظور دستیابی به نتایج خاص حسابداری انجام شده است؟

شفافیت (صراحت و روشنی)

- این خصوصیت بر قابل فهم بودن، سازمان و جامعیت اطلاعات تأکید دارد. برای تفکر در مورد شفافیت می توان این سوال را پرسید که:
- آیا اطلاعات مالی شرکت به طریق سازمان یافته، روشن موجز ارائه شده و به نحوه مناسب بین صراحت و کفایت توازن برقرار است؟
- شرکت به چه طریقی میتواند فراتر از حداقل الزامات مطلق، اصول پذیرفته شده حسابداری را افشا نماید؟
- آیا شرکت ارائه اطلاعات مالی را به سهولت و سازمان یافته انجام می دهد (محدودیت های اصول پذیرفته شده حسابداری را در نظر بگیرید)؟
- آیا زبان مورد استفاده در گزارشهای مالی را غیر حسابداران به آسانی می فهمند؟
- چگونه شرکت در گزارشهای مالی از نمودارهای روشن و ساده برای مفهومتر شدن اطلاعات مالی استفاده می کند؟
- آیا صورتهای مالی و سایر موارد افشاء (مثل گزارش هیئت مدیره) مجموعه ای جامع، منسجم و متمرکز از اطلاعات مالی را گویای تمامی داستان باشد، تشکیل می دهد؟ (رحمانی، ۱۳۸۱: ۵۷-۵۵)

۲- تصمیم‌گیری مدیران

تصمیم‌گیری یکی از محوری‌ترین فرایندها در سازمان محسوب شده و بعنوان وظیفه اصلی مدیران تمامی سطوح مطرح می‌باشد به نحوی که برخی صاحب‌نظران معتقدند "تمام مدیریت تصمیم‌گیری است". کونتز در این رابطه معتقد است وجود طرح، برنامه، سیاست و خط مشی منوط به وجود تصمیم‌گیری است. او همچنین عقیده دارد که مدیر معمولاً وظیفه اصلی خود را تصمیم‌گیری می‌داند، زیرا همیشه باید به این فکر باشد که چه راهی را برگزیند، چه کاری را انجام دهد، وظایف را چگونه بین افراد تقسیم کند و اینکه چه کاری را، چه کسی، در چه موقع، کجا و چگونه انجام دهد؟

مطالعه فرایند تصمیم‌گیری بحث تازه‌ای به شمار نمی‌آید. در طی سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف پیرامون مقوله تصمیم‌گیری انجام گرفته که در نتیجه آن تاکنون طبقه‌بندی‌های متعددی در رابطه با سبک‌ها و مدل‌های تصمیم‌گیری توسط صاحب‌نظران ارایه شده است. هر کدام از این طبقه‌بندی‌ها با توجه به اینکه کدام دسته عامل فردی، سازمانی و محیطی بر نحوه واکنش و رفتار افراد در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم‌گیری دخیل می‌دانند با یکدیگر متفاوت می‌باشند.

اسکات و بروس در مطالعات خود پیرامون سبک تصمیم‌گیری افراد و عوامل موثر بر آن، بر ویژگی‌های درونی و تفاوت‌های فردی افراد توجه بسیاری نموده و بر این اساس پنج سبک تصمیم‌گیری را تحت عنوان سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری ارائه نموده‌اند. این پنج سبک عبارتند از: سبک تصمیم‌گیری عقلایی، سبک تصمیم‌گیری شهودی، سبک تصمیم‌گیری وابستگی، سبک تصمیم‌گیری آنی و سبک تصمیم‌گیری اجتنابی.

با توجه به اینکه مطالعه سبک تصمیم‌گیری مدیران براساس سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری در کشور از سابقه تحقیق برخوردار نیست، محور اصلی تحقیق حاضر بررسی سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری در بین مدیران شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران می‌باشد. مدل سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری اسکات و بروس و پرسشنامه مربوط به آن در تحقیقاتی که بر مولفه‌های شخصی و ویژگیهای فردی مدیران و تصمیم‌گیران سازمانی تاکید دارند می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند. در تحقیق حاضر نیز برای نخستین بار فرم اصلی پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری ترجمه شده است، لذا روایی و پایایی فرم ترجمه شده، جهت استفاده از آن در تحقیقات مرتبط با حوزه تصمیم‌گیری (با رویکرد تمرکز بر تفاوت‌های فردی)، مورد بررسی قرار گرفته است. جهت بررسی روایی پرسشنامه از دو روش روایی محتوایی و روایی سازه استفاده شده است. روایی محتوایی توسط اساتید صاحبان فن بررسی شده و جهت بررسی روایی سازه همبستگی بین هر یک از سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری محاسبه شده است. بر اساس پیشینه تحقیق و ادبیات موجود در حوزه تصمیم‌گیری و سبک‌های مذکور پیش‌بینی می‌شود که بین برخی از سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری همبستگی معنادار مثبت و بین برخی دیگر همبستگی معنادار منفی وجود داشته باشد. لذا سنجش همبستگی بین هر یک از سبک‌ها جهت بررسی روایی سازه و در نهایت قابلیت کاربرد پرسشنامه ترجمه شده در تحقیقات مدیریتی صورت

پذیرفته است. در این بررسی همبستگی بین هر یک از سبک ها و سوالات پرسشنامه نیز محاسبه شده است. جهت سنجش پایایی پرسشنامه همسانی درونی سوالات با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده است با توجه به اینکه تحصيلات و سابقه خدمت دو ویژگی مهم جمعیت شناختی به ویژه در سطوح مدیریتی می باشند، رابطه بین سابقه خدمت و تحصيلات مدیران و سبک های عمومی تصمیم گیری آنها جهت پاسخ به این سوال که آیا متغیرهای جمعیت شناختی سابقه خدمت و سطح تحصيلات بر گرایش مدیران به سبک های عمومی تصمیم گیری نقش دارند یا خير نیز محاسبه شده است.

۱-۲- سبک های تصمیم گیری

سبک تصمیم گیری افراد بیانگر الگوی عادت است که آنها در هنگام تصمیم گیری مورد استفاده قرار میدهند؛ به عبارت دیگر سبک تصمیم گیری هر فرد رویکرد شخصیتی او در درک و واکنش به وظیفه تصمیم گیری خود است. در نتیجه عوامل سازمانی و محیطی اثر گذار بر سبک تصمیم گیرمدیران نسبت به موقعیت های تصمیم گیری به نحوه متفاوت رفتار کنند و در نتیجه سبک تصمیم گیری آنها با یکدیگر متفاوت باشد.

پنج سبک تصمیم گیری زیر توسط اسکات و بروس به عنوان سبک های عمومی تصمیم گیری ارائه شده اند:

۱-۱-۲- سبک تصمیم گیری عقلایی:

این سبک بیانگر تمایل تصمیم گیرنده به شناسایی تمامی راهکارهای ممکن، ارزیابی نتایج هر راهکار از تمامی راهکار های ممکن، ارزیابی نتایج هر راهکار از تمامی جنبه های مختلف و در نهایت انتخاب راهکار بهینه و مطلوب توسط تصمیم گیرنده در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم گیری می باشد. به عبارتی در این سبک تصمیم گیری مساله رخ داده بطور دقیق قابل تعریف بوده و فرد تصمیم گیرنده از یک فرایند ثابت و کاملاً مشخص جهت انتخاب و اجراء بهترین راه حل و دستیابی به اهداف پیروی می کند. افرادی که از سبک عقلایی برخوردارند تصمیمات خود را بر اساس جستجو و تجزیه و تحلیل کامل و همه جانبه تمامی اطلاعات موجود هم از منابع درونی و هم از منابع بیرونی قرار می دهند.

۲-۱-۲- سبک تصمیم گیری شهودی:

تصمیم گیری شهودی فرایندی ناخودآگاه است که در سایه تجربه های استنتاج شده به دست می آید. در این شیوه تصمیم گیری فرد تصمیم گیرنده منطق روشنی در رابطه با درست بودن تصمیم خود ندارد، بلکه با تکیه بر بینش و فراست درونی خود آن چیزی را که فکر می کند درست است انجام می دهد. افرادی که از سبک تصمیم گیری شهودی برخوردارند کاملاً تجزیه و تحلیل بخردانه مساله را رد نمی کنند، بلکه معتقدند در برخی شرایط نظیر هنگام مواجهه با یک بحران، در شرایط عدم اطمینان و زمانیکه با حجم عظیمی از اطلاعات پردازش نشده مواجه می شوند و در شرایطی که به علت ماهیت پیچیده مساله و بحرانی بودن شرایط امکان جمع آوری تمامی اطلاعات موجود پیرامون موضوع تصمیم گیری و بررسی دقیق و سیستماتیک این اطلاعات وجود ندارد، شهود و فراست درونی به کمک افراد آمده و در انتخاب تصمیم مناسب می تواند نقش مهمی را ایفا کند.

سه منبع شهود و بینش درونی در این سبک تصمیم‌گیری عبارتند از:

پاسخ ذاتی/فطری: پاسخ‌های ذاتی از ضمیر ناخودآگاه انسان نشأت گرفته، غیر قابل آموزش بوده و بطور غریزی از بدو تولد همراه انسان می‌باشند.

تجارب عمومی: این منبع شهود انسان‌ها را آموخته‌ها و تجارب فراگرفته شده طی جریانات و موقعیت‌های گذشته تشکیل می‌دهند.

آموزش‌های متمرکز: این آموزش‌ها در راستای کاهش وابستگی فرد به تحلیل‌های کاملاً بخردانه در شرایط مبهم و ناشناخته و بهبود توانمندی‌های شهودی می‌باشند.

بر این اساس میتوان گفت تصمیم‌گیری‌های شهودی در محیط‌های متلاطم ناشناخته از جامعیت و انعطاف‌پذیری بیشتر برخوردار است.

۳-۱-۲- سبک تصمیم‌گیری وابستگی:

این سبک بیانگر عدم استقلال فکری و علمی تصمیم‌گیرنده و تکیه بر حمایت‌ها و راهنمایی‌های دیگران در هنگام اخذ تصمیم است. مدیرانی که از سبک تصمیم‌گیری وابستگی برخوردارند در هنگام مواجهه شدن با یک مشکل یا فرصت نیازمند این هستند که حتماً فردی در کنار آنها باشد تا کاملاً مطابق گفته‌های او عمل کنند. چنین افرادی به جای اینکه در هنگام اتخاذ تصمیمات مهم با دیگران مشورت نموده و در نهایت تصمیمات نهایی را خودشان انتخاب کنند کاملاً متکی و وابسته به دیدگاه‌های سایر افراد عمل می‌کنند.

۴-۱-۲- سبک تصمیم‌گیری آنی:

سبک تصمیم‌گیری آنی بیانگر احساس اضطرار تصمیم‌گیرنده و تمایل وی به اخذ تصمیم نهایی در کوتاهترین و سریع‌ترین زمان ممکن است؛ به عبارت دیگر مدیرانی که از سبک تصمیم‌گیری آنی برخوردارند در هنگام مواجهه شدن با موقعیت تصمیم‌گیری بلافاصله و بی‌درنگ تصمیم اصلی خود را اتخاذ میکنند.

۵-۱-۲- سبک تصمیم‌گیری اجتنابی:

افرادی که از سبک تصمیم‌گیری اجتنابی برخوردارند در هنگام مواجهه با مساله (مشکل یا فرصت) تا آنجا که امکانپذیر باشد تصمیم‌گیری را به تعویق انداخته و از هر گونه واکنش نسبت به مساله رخ داده طفره می‌روند. بنابر این سبک تصمیم‌گیری اجتنابی را میتوان تلاش و تمایل فرد تصمیم‌گیرنده به اجتناب از اتخاذ هر گونه تصمیم و تا حد امکان دوری از موقعیت‌های تصمیم‌گیری تعریف نمود.

اسپایسر و اسمت در بررسی پنج سبک تصمیم‌گیری مورد نظر در بین دو گروه ۲۰۰ از دانشجویان رشته بازرگانی در یکی از دانشگاه‌های انگلستان، در گروه اول بین سبک عقلایی و هر یک از سبک‌های تصمیم‌گیری شهودی، آنی و اجتنابی رابطه معنادار منفی، بین سبک تصمیم‌گیری شهودی و آنی و بین سبک تصمیم‌گیری وابستگی و اجتنابی رابطه معنادار مثبت بدست آوردند، در گروه دوم نیز رابطه بین سبک‌های تصمیم‌گیری همانند گروه اول بدست آمد، علاوه

بر آن در گروه دوم وجود همبستگی معنا دار مثبت بین دو سبک اجتنابی و آنی نیز تایید شد. ثانیه در تحقیق خود در زمینه سبک تصمیم گیری ۲۰۶ نفر از افسران ارتش کشور سوئد بر اساس سبک های عمومی تصمیم گیری، بین سبک تصمیم گیری عقلایی و هر یک از سبک تصمیم گیری شهودی و آنی و بین آنی افراد مورد مطالعه رابطه معنا دار معکوس، بین سبک تصمیم گیری شهودی و آنی و بین سبک تصمیم گیری وابستگی و اجتنابی رابطه معنا دار مثبت به دست آورد. (هادیزاده مقدم، طهرانی، ۱۳۸۷: ۱۲۵-۱۲۴ و ۱۲۸-۱۲۶)

۳- کیفیت گزارشگری مالی بر تصمیم گیری مدیران

۳-۱- تصمیم گیری بر اساس اطلاعات مالی

به منظور بهبود استفاده از اطلاعات مالی در زمینه فرایند تصمیم گیری، ما نیاز به تجزیه و تحلیل صورتهای مالی داریم. در این زمینه، ما می توانیم با تجزیه و تحلیل و پردازش صورتهای مالی و تبدیل اطلاعات مفید و قابل استفاده به وسیله تکنیک های مختلف تجزیه و تحلیل برای اندازه گیری کیفی تجاری توضیح دهیم. این روند در فرآیند مدیریت عقلانی بسیار مهم است؛ بنابراین، برای دانستن سطحی از کیفیت کسب و کار، در زمینه مدیریت کسب و کار، ما سعی می کنیم برای اطمینان از توسعه شرکت و وجود در بازار آینده که قابل توجه است اقداماتی انجام دهیم. تجزیه و تحلیل صورتهای مالی قبل از فرآیند مدیریت است که این مورد نیز قبل از فرایند برنامه ریزی می آید که اینها جزئی از فرایند مدیریت است. برنامه ریزی برای مدیریت خوب بسیار مهم است. برنامه ریزی مالی شرکت با در نظر گرفتن تمام این نقاط قوت و ضعف خوب است.

وظیفه تجزیه و تحلیل صورتهای مالی این است که ویژگی های خوب شرکت را تشخیص دهد به طوری که بتواند از بسیاری از مزایای آن استفاده کرد، همچنین می تواند نقاط ضعف شرکت به منظور اقدامات اصلاحی را به رسمیت شناخت. به همین دلیل، می توان گفت که مدیریت شرکت بخش قابل توجهی از تجزیه و تحلیل صورتهای مالی است.

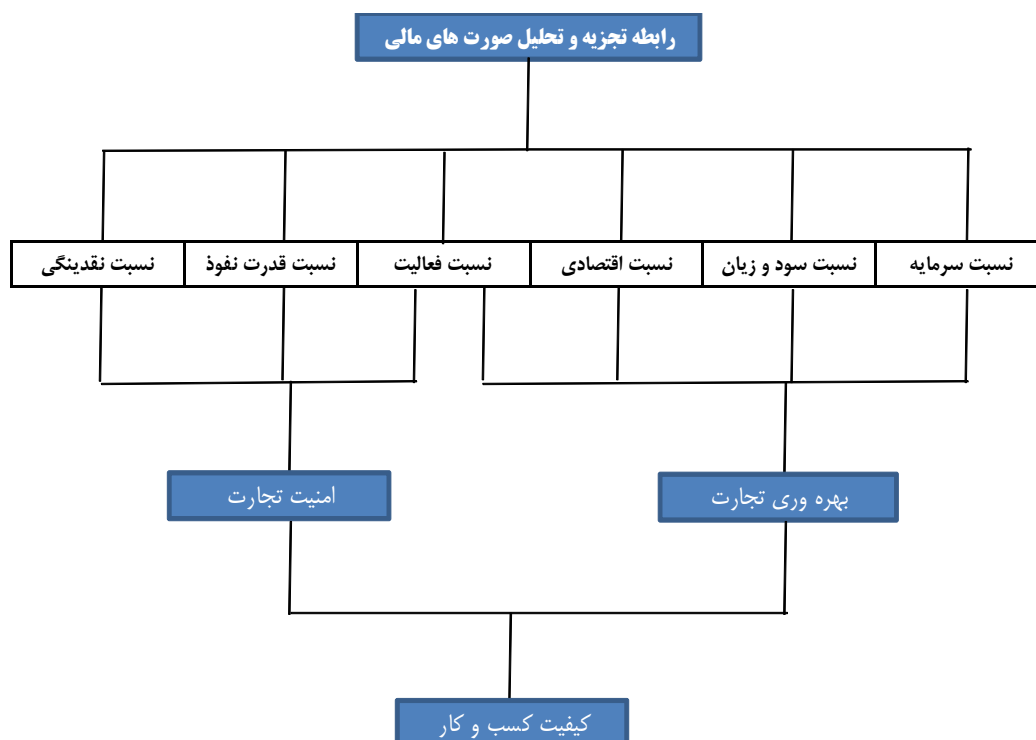
در این روند از تجزیه و تحلیل صورتهای مالی ممکن است به استفاده از طیف وسیعی از ابزار های مختلف و روش ها پرداخت. اول از همه، آن صورتهای مالی مقایسه ای و افقی در نظر گرفته می شود و سپس به روش تجزیه و تحلیل همراه با صورتهای مالی و تجزیه و تحلیل ساختاری عمودی باید پرداخت. تجزیه و تحلیل افقی این است که صورتهای مالی مقایسه ای ما را امتحان کنید و بر اساس بررسی گرایش و پویایی های تغییر از موقعیت خاص صورتهای مالی اساسی است. ما تخمین می زنیم کارایی کسب و کار و امنیت شرکت بر اساس تغییرات مشاهده شده است. از سوی دیگر، صورتهای مالی ساختاری پایه ای برای تجزیه و تحلیل عمودی است که بینش در ساختار صورتهای مالی را اجازه می دهد. ساختار صورتهای مالی در زمینه کیفیت کسب و کار بسیار مهم است.

تجزیه و تحلیل توسط صورت‌های مالی با کیفیت کسب و کار تجاری است، اما پرسش از تجزیه و تحلیل با روش‌های افقی و عمودی ترازنامه، حل نشده و باعث از دست دادن حساب و جریان نقدی خواهد شد. در زمینه اندازه‌گیری کیفیت کسب و کار بر اساس صورتهای مالی، مهم‌ترین نسبت‌های مالی مختلف تشکیل شده از پایه مالی است.

۲-۳- نسبت تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی و کسب و کار تصمیم‌گیری

نسبت تعداد عقلانی یا نسبی به این معنی است که یک ارزش اقتصادی به رابطه قرار داده (در حال تقسیم آن است) با دیگر ارزش اقتصادی است. با توجه به بعد زمان، نسبت‌های مالی را می‌توان اساساً به دو گروه تقسیم شده است. یک گروه از نسبت‌های مالی شامل کسب و کار شرکت در مدت زمان خاص (معمولاً یک سال). این گروه در بر دارنده از حساب سود و زیان و بیانیه جریان نقدی. گروه دیگر به نسبت‌های مالی اشاره دارد. نسبت اندازه‌گیری سطح کیفیت از پدیده‌های خاص اقتصادی که شامل اظهارات مالی است. ما چند نوع نسبت وابسته داریم که شامل چه نوع تصمیم‌گیری است و می‌خواهیم به کسب و کار یا آن‌هایی که بخش کیفیت حساب است پردازیم. در نتیجه ما چندین گروه از تشخیص نسبت‌های مالی داریم:

۱. نسبت نقدینگی - قابلیت اندازه‌گیری شرکت به پرداخت بدهی‌های جاری قابل پرداخت آن است.
 ۲. نسبت‌های اهرمی - اندازه‌گیری این شرکت از منابع طلبکاران تامین می‌شود.
 ۳. فعالیت نسبت - اندازه‌گیری جابجایی شرکت با استفاده از منابع خود را دارد.
 ۴. نسبت اقتصاد - اندازه‌گیری رابطه بین درآمد و هزینه، است که آنها نشان می‌دهد که چقدر درآمد در هر واحد از هزینه‌های به دست آورد.
 ۵. نسبت‌های سودآوری - اندازه‌گیری بازگشت سرمایه و نشان بالاترین مدیریتی بهره‌وری.
 ۶. نسبت سرمایه - اندازه‌گیری بهره‌وری از سرمایه‌گذاری در سهام عادی است.
- به طور کلی، مدیریت خوب شامل دو معیار: امنیت (نقدینگی، ثبات مالی) و بهره‌وری (سودآوری). معیارهای ما اطمینان از کیفیت کسب و کار خود با رضایت است. بر این اساس، نسبت امنیت کسب و کار عبارتند از: نسبت نقدینگی و نسبت اهرم. کارایی کسب و کار نسبت عبارتند از: نسبت درآمد، نسبت سود دهی و نسبت سرمایه. در سوی دیگر فعالیت نسبت می‌توانند به صورت نسبت امنیتی و یا نسبت بهره‌وری باشد. یک سمت تحت تاثیر دارایی نسبت تبدیل و یک سمت دیگر نقدینگی و ثبات مالی تحت تاثیر قرار می‌گیرد، اما از سوی دیگر به طور مستقیم بر سودآوری کسب و کار تاثیر می‌گذارد. ارتباط گروه نسبت و معیارهای اولیه کسب و کار با کیفیت در شکل زیر ارائه شده است. به عنوان یک قاعده، امنیت و کارایی معیارهای در کوتاه مدت هستند. با این حال، در دراز مدت، بازدهی بستگی به امنیت و بالعکس دارد.



ارتباط نسبت تجزیه و تحلیل صورت های مالی و معیار اساسی کسب و کار خوب وقتی که در مقایسه با مقادیر استاندارد نسبت خاص (که اساس مقایسه است) که ما را از اطلاعات دقیق تر دور می کند. نسبت ارزش استاندارد که عمدتاً مورد استفاده قرار می گیرد عبارتند از:

۱. نسبت برنامه ریزی شده برای دوره قرار گرفت.
۲. ارزش نسبت از طریق تغییرات دوره خاص در همان شرکت.
۳. ارزش نسبت در شرکت های مشابه متعلق به همان گروه.
۴. متوسط ارزش نسبت شرکت های دیگر متعلق به همان گروه.

در شرایط کسب و کار مدرن، علاوه بر نسبت های مالی بر اساس ترازنامه و حساب سود و زیان، نسبت های مالی بر اساس صورت حسابهای نقدی بسیار مهم می باشد. در طول ورشکستگی اقتصادی، زمانی را به حساب تفاوت بین درآمد و هزینه در یک طرف و وجوه نقدی از سوی دیگر است؛ یعنی، اینگونه شناخته شده است که این شرکت دارای پول کافی برای پرداخت های بدهی های مختلف نیست. از سوی دیگر، از دست دادن به این معنا نیست که این شرکت کلاً هیچ پولی ندارد؛ بنابراین، برای اندازه گیری کیفیت کسب و کار، ما باید نسبت کلاسیک را بر اساس ترازنامه و حساب سود و زیان در ارتباط با صورت حساب نقدی نسبت به صورتهای وجوه نقدی بررسی کنیم. نسبت های مالی بر اساس صورت حسابهای وجوه معمولاً به چهار گروه تقسیم می گردد:

۱. بررسی نسبت پرداخت بدهی و نقدینگی پوشش پول مورد علاقه، در حال حاضر بدهی، جمع بدهیها و سود سهام را نشان می دهد.

۲. کیفیت نسبت درآمد که رابطه بین وجوه دریافتی از فعالیت های کسب و کار و درآمد فروش و همچنین رابطه بین دریافتها و سود را نشان می دهد.

۳. نسبت هزینه های سرمایه اتصال انواع مختلف وجوه نقدی و بررسی امکان خرید سرمایه دارایی، تامین مالی و سرمایه گذاری را نشان می دهد.

۴. نقدی نسبت به بازگشت جریان تعریف جریان نقدی هر سهم، بازگشت پول در کل دارایی، بدهی ها و حقوق صاحبان سهام (اساسا آنها در مورد سود دهی صحبت می کنند).

هنگامی که نسبت صورت حسابهای وجوه نقدی بر اساس ترازنامه و حساب سود و زیان وجود دارد، فرض خوبی برای اندازه گیری کیفیت کسب و کار با کمک اطلاعات مالی ایجاد می کند. (Katrina zager, Lajos, 2006:38-40)

نتیجه

سیستم حسابداری اطلاعات، شامل طیف وسیعی از اطلاعات مختلف برای کاربران مختلف است. ما می توانیم برای اندازه گیری و بررسی کیفیت کسب و کار از کل شرکت بر اساس حسابداری و اطلاعات مالی عمل نماییم. در این زمینه ما با ارائه درست و عادلانه اطلاعات مالی و بررسی موقعیت، بازده کسب و کار و وجوه نقدی به یک کسب و کار موفق عمل نماییم که منجر به امنیت و بهره وری از کسب و کار در یک دوره طولانی مدت می شود. اول از همه امنیت کسب و کار بر اساس ترازنامه و بهره وری بر اساس سود و زیان حساب مورد بررسی قرار می گیرد. با این حال، برای یک تصویر کامل و بیشتر در مورد کیفیت کسب و کار ما نیاز به در نظر گرفتن داده ها برای مثال صورت حسابهای نقدی با توجه به اظهارات دیگر داریم.

در این مقاله امنیت و بهره وری از کسب و کار است که توسط نسبت های مالی ثبت شده است. بر این اساس، نسبت های مالی را می توان در زمینه اندازه گیری کیفیت کسب و کار مورد بررسی قرار داد. نسبت سطوح مختلف با کیفیت کسب و کار را تعریف می کنیم. با تعریف کیفیت کسب و کار نرخ فعلی برخی از مفروضات مهم برای توسعه و وجود شرکت در بازار ساخته می شود. در این زمینه ما می توانیم نتیجه بگیریم که اطلاعات مالی می تواند در برآورد بسیار مفید واقع شده و کیفیت کسب و کار فعلی با فرض ایجاد کسب و کار موفقیت بیشتر برای آینده است.

منابع

- پور زمانی، زهرا (۱۳۹۲)، "ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و سرعت تعدیل قیمت سهام" پژوهش حسابداری مالی و حسابرسی، شماره بیست یکم، صص ۹۱-۱۱۶
- رحمانی، علی (۱۳۸۱)، "ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی" مجله حسابرسی، شماره ۱۷، صص ۵۲-۵۷
- هادیزاده مقدم، اکرام و طهرانی، مریم (۱۳۸۷)، "بررسی رابطه بین سبک های عمومی تصمیم گیری مدیران در سازمانهای دولتی"، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۳۸
- کردستانی، غلامرضا (۱۳۹۰)، "بررسی عوامل تعیین کننده انتخاب سطح کیفیت گزارشگری مالی و اثرات اقتصادی آن بر بازار سرمایه"، فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری مالی، سال اول شماره اول، صص ۶۷-۹۱
- Katrina zager,Lajos zager (2006)," The role of financial information in dicision making process", *Innovative marketing*, volume2,issue3, pp 35-40